



روحانی نه گرگ است و نه میش

* سید حسین موسویان

تاریخ: ۳۱ تیر ۱۳۹۲ - ۱۰:۰۰

کد خبر: ۱۲۱۸۸۷



نخست وزیر اسرائیل در صحبت های اخیرش، محمود احمدی نژاد را به «گرگی در لباس گرگ» تشبیه کرد و ادعا کرد که رییس جمهور منتخب ایران حسن روحانی «گرگی در لباس میش است. لبخند بز و بمب بساز.» او سپس به آمریکا پیشنهاد داد که «اگر تحریم ها کار نمی کند، باید بدانند که شما آماده اقدام نظامی هستید - این تنها چیزی است که توجه آنها(ایران) را جلب می کند.»

در واکنش به انتخاب یک رییس جمهور میانه رو توسط ایرانیان، تقریباً هر ۴۶ عضو کمیته روابط خارجه مجلس نمایندگان آمریکا در نامه ای خطاب به باراک اوباما از کاخ سفید خواستند فشار بر ایران را تشدید کند تا برنامه هسته ای اش مختل شود. همچنین یک مقام آمریکایی فاش کرد که واشنگتن به تل آویو اطمینان داده که علی رغم پیروزی یک رییس جمهور میانه رو در انتخابات ایران، آمریکا می خواهد تحریم ها و فشارها بر ایران را افزایش دهد. به همین دلیل آیت الله خامنه ای در دیدار با کارگزاران نظام، ضمن تاکید بر آمادگی جمهوری اسلامی برای تعامل، نسبت به گفتگوی با آمریکا ابراز عدم خوشبینی کردند. ایشان [اظهار نمودند](#) که: "موضع گیری آمریکایی ها در چند ماه گذشته، ضرورت خوش بین نبودن را تأیید کرد"

نتانیاهو جمله ای از احمدی نژاد در سال ۲۰۰۵ که بارها تکرار شد و خیلی ها آن را اینطور تعبیر کردند که اسرائیل باید «از نقشه محو شود» را با مهارت دستکاری کرد تا به جامعه جهانی فشار بیاورد که ارجاع پرونده هسته ای ایران به شورای امنیت سازمان ملل را تسریع و راه را برای تحریم های فراگیر باز کند. با اینکه سخنان احمدی نژاد به اشتباه ترجمه و تفسیر شده، اما در مورد عواقب منفی آن اختلاف نظری وجود ندارد. سالها بعد از صحبت های احمدی نژاد، در ماه آوریل ۲۰۱۱ دن مریدور معاون نخست وزیر اسرائیل اذعان کرد که رییس جمهور ایران در واقع هیچگاه نگفت که اسرائیل «باید از نقشه محو شود».

از سال ۲۰۰۹ که باراک اوباما سیاست جدید تعامل خود را اعلام کرد، اسرائیل نقشی کلیدی در به انحراف کشاندن این مسیر و هدایت آمریکا به سوی سیاست ها و اقدامات تخاصمی علیه ایران داشته است. جالب این است که باراک اوباما در دوره سیاست اعلامی "تعامل با ایران"، دنیا را برای اعمال شدیدترین و بیسابقه ترین تحریم های اقتصادی جهانی علیه ایران بسیج کرده است.

اسرائیل برای رسیدن به چنین اهدافی، از اوایل دهه ۱۹۹۰ میلادی تا کنون بارها ادعا کرده که ایران در آستانه دستیابی به سلاح هسته ای است. فهرست پیش رو تنها بخشی از این ادعاهای اسرائیل به سبک چوپان دروغگو بوده است. در ماه اکتبر سال ۱۹۹۲ میلادی، شیمون پرز وزیر خارجه وقت اسرائیل به جامعه بین المللی هشدار داد که ایران تا سال ۱۹۹۹ به یک بمب اتمی مجهز خواهد شد. در ژوئیه سال ۲۰۰۱ بنیامین بن الیزر وزیر دفاع اسرائیل تاکید کرد که ایران تا سال ۲۰۰۵ یک بمب اتم خواهد داشت. در فوریه سال ۲۰۰۹ نتانیاهو به هیات نمایندگان کنگره آمریکا گفت که ایران تنها یک یا دو سال با سلاح اتمی فاصله دارد. در سپتامبر ۲۰۱۲ استدلال نتانیاهو این بود که ایران می تواند تا اواسط سال ۲۰۱۳ به بمب اتمی دست پیدا کند و اخیراً در ژوئیه ۲۰۱۳ دوباره هشدار داد که ایران تنها چند هفته با عبور از «خط قرمز» تولید سلاح اتمی فاصله دارد.

این روند بدون شک ادامه خواهد داشت چرا که استراتژی اسرائیل این است که از مسئله هسته ای ایران به عنوان ابزاری برای تهدید به حمله نظامی استفاده کند تا اروپا و آمریکا را مخیر به انتخاب «جنگ» یا «فشار حد اکثری» قرار دهد. با علم به این که «فشار حد اکثری» هدف اصلی است تا مانع رسیدن به راه حلی واقعگرایانه برای برنامه هسته ای ایران شود. نتانیاهو موفق شده با نمایش یک «تهدید معتبر»، آمریکا و اتحادیه اروپا را راضی کند تا «سیاست فشار حد اکثری» علیه ایران اعمال شود و مذاکرات هسته ای را از هدف اصلی اش منحرف کند.

با انتخاب روحانی به عنوان رییس جمهور جدید ایران، امید به دستیابی به راه حلی مقبول برای مسئله هسته ای زنده شده است. نتانیاهو هم پیش فرضی نسبت به تغییر احتمالی رویکرد آمریکا در مذاکرات ۵+۱ دارد، که می تواند زمینه را برای راه حلی صلح آمیز فراهم کند. اما هدف او این است که با بی اعتبار کردن روحانی و توصیف او به عنوان «گرگی در لباس میش» جلوی وقوع چنین پیشرفتی را بگیرد.

این استراتژی که نتانیاهو و کنگره آمریکا از آن حمایت می کنند در صدد افزایش بدبینی نسبت به چشم انداز توافق در مذاکرات است. مشکل بزرگ تر این است که حتی اگر معجزه ای اتفاق بیفتد و دولت آمریکا با ایران به توافقی برسد، کنگره آمریکا اجازه لغو بخش قابل توجهی از تحریم ها را ندهد. البته اخیرا کورسویی از امید دیده شد چرا که بیست و نه شخصیت برجسته آمریکا شامل مقامات سابق دولتی، دیپلمات ها، فرماندهان ارتش، و کارشناسان امنیت ملی خطاب به کاخ سفید گفتند که «دیپلماسی فقط در صورتی موفق می شود که ما در مقابل امتیازات ایرانی ها، آماده رفع تحریم های فعلی و اعطای امتیازات دیگر باشیم» و افزودند که «مهم است که تا زمان تخلیف روحانی همه نهادها از حرکات تحریک آمیزی که ممکن است این فرصت دیپلماتیک را به خطر بیاندازد، خودداری کنند.» امیدوار کننده تر از آن هم نامه اخیر 130 عضو مجلس نمایندگان آمریکا از هر دو حزب (دموکرات و جمهوری خواه) است که از باراک اوباما خواسته اند در پی انتخاب ماه گذشته حسن روحانی، فرصت ها را برای رسیدن به راه حلی دیپلماتیک با ایران گسترش دهد.

باراک اوباما برای پیشبرد سیاست خارجه آمریکا در خاورمیانه وظیفه سهمگینی بر عهده دارد؛ از جمله بحران در سوریه، عراق و روند راکد صلح اسرائیل و فلسطینیان. در میان تمام این چالش ها، پرونده هسته ای ایران بیشترین شانس را برای رسیدن به یک راه حل زود هنگام دارد. در جریان مذاکرات هسته ای سال های ۲۰۰۳ تا ۲۰۰۵ با سه قدرت اروپایی (بریتانیا، فرانسه و آلمان)، روحانی به عنوان مذاکره کننده ارشد هسته ای ایران، مقدمات گسترده ای برای حل مناقشه هسته ای فراهم کرد. ایران با پذیرش پروتکل الحاقی و ترتیبات فرعی، حداکثر درجه شفافیتی را که یک عضو ان پی تی (معاهده منع سلاح هسته ای) می تواند به آن متعهد باشد به اجرا گذاشت. روحانی همچنین آمادگی ایران را برای اعتماد سازیهایی که ماهیت صلح آمیز برنامه هسته ای برای همیشه تضمین کند، را اعلام کرد.

متأسفانه ایران و همتایان اروپایی اش نتوانستند به یک توافق نهایی برسند زیرا جورج بوش مرتباً حقوق مشروع ایران تحت معاهده منع سلاح هسته ای را انکار می کرد که باعث میشد تناسب قوا در ایران به نفع تندروها تغییر کند. حالا با روحانی رییس جمهور منتخب، یک بار دیگر فرصتی طلایی برای آمریکا و جهان پیش آمده که تلاش های دیپلماتیک را تقویت کنند تا مناقشه بر سر برنامه هسته ای ایران حل شود.

نتانیاهو باید بداند که روحانی نه گرگ است و نه میش. او یک سیاستمدار عملگراست که پیش از این صداقتش را برای تحقق راه حلی صلح آمیز، پایدار و واقعگرایانه در مسئله هسته ای ثابت کرده است. آمریکا نباید این فرصت استثنایی را از دست بدهد. باراک اوباما باید شجاعت به خرج دهد و برای رسیدن به توافقی مستقیم و گسترده با ایران و پایان سه دهه خصومت، سرمایه گذاری کند. چنین دستاورد تاریخی مستلزم این است که نتانیاهو این حقیقت را بپذیرد: بهبود مناسبات ایران و آمریکا موجب کاهش تنش میان تهران و تل آویو میشود.

سید حسن موسویان، پژوهشگر دانشگاه پرینستون، سفیر پیشین ایران در آلمان و همچنین سخنگوی قبلی هیات مذاکره کننده هسته ای ایران است. کتاب اخیر او «خاطرات: بحران هسته ای ایران» توسط موسسه صلح بین المللی کارنگی منتشر شده است.

منبع: المانیور